عبدالصمد خرمشاهی وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «جوان»:

گسترش اعتیاد به بروز خشونت منجر می‌شود

گفت‌وگو
فاطمه تورانی

در گیری بین افراد جامعه جلوه‌ای از بروز روح پرخاشگری در بستر جامعه است که ریشه در رفتارهای اجتماعی افراد جامعه دارد. تجربه نشان داده است افراد آگاه جامعه کمتر درگیر این پرخاشگری‌ها شده و ترجیح می‌دهند خواسته‌های خویش را از مجراهای قانونی دنبال کنند. نظر به اهمیت موضوع گفت‌وگوی ما با عبدالصمد خرمشاهی وکیل دادگستری پیش‌روی شماست.

برای ورود به بحث بفرمایید چرا مردم به جای حرف زدن با یکدیگر وارد نزاع می‌شوند؟

هر عکس‌العملی که از سوی انسان سر می‌زند، معلول یکسری عوامل است. بعضی از این عوامل جنبه ژنتیکی یا خانوادگی دارد. برخی هم به علت تأثیر اوضاع جامعه و فرهنگی است که فرد به آن خو گرفته است. همچنین بسیاری از عوامل مانند گرمی هوا، عوامل طبیعی و اقلیمی نیز می‌تواند در رفتار انسان دخیل باشد، اما یکسری از عوامل مانند فقر و مشکلات اقتصادی یا حوادثی که در دوران کودکی شخص رخ داده و روی افکار او تأثیر گذاشته، انباشته می‌شود و یک روز که فرد منتظر بهانه است، شکل ظاهری پیدا می‌کند. اگر دو نفر را ببینیم که هنگام حرف زدن ناگهان برافروخته می‌شوند یا دست به کار خطرناکی می‌زنند، معلول همین علت‌هاست.

با توجه به تجربه‌ای که در روند رسیدگی به پرونده‌های نزاع دارید بفرمایید چه قشرهایی از جامعه بیشتر مرتکب نزاع می‌شوند و دلیل آن را چه می‌دانید؟

نزاع یکی از رفتارهای ضدقانونی و از عناوین مجرمانه است. بر اساس آمار، افراد معمولاً دوران نوجوانی و جوانی درگیر نزاع می‌شوند. اوج آن هم در سن ۳۰ سالگی است. یعنی اغلب کسانی که مرتکب این جرم می‌شوند، زیر ۳۰ سال هستند. آمار نشان می‌دهد ۶۰ تا ۶۵ درصد نزاع‌ها در سنین نوجوانی تا جوانی رخ می‌دهد.

به عوامل محیطی که در بروز این آسیب نقش دارد اشاره کردید. نقش این عوامل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جرم‌شناسان اینگونه مسائل را بر اساس تحقیقات دانشمندان در رابطه با علل ارتکاب جرم مطرح می‌کنند. ممکن است عوامل محیطی مانند گرما هم در ارتکاب جرم نقش داشته باشد. یکی از اساتید علم حقوق معتقد است شرایط محیطی و گرما ممکن است فرد را به مرحله‌ای برساند که مرتکب قتل هم بشود. در کنار عوامل محیطی، معمولاً کلانشهرها ترکیبی از اقوام و تفکرات مختلف هستند که سنخیتی با یکدیگر ندارند. همه اینها در کنار تراکم جمعیت و رقابت در کار در حرکتند، زیرا در کلانشهرها زندگی حالت رقابتی دارد و تقریباً افراد در یک جنگ همیشگی هستند و در مقابل برای زودتر رسیدن به حقشان، دچار این درگیری‌ها می‌شوند. علاوه بر این، عوامل دیگری وجود دارد که به دنبال آنها آمار جرائم در کلانشهرها بالا می‌رود. معمولاً در شهرهای کوچک و روستاها آمار ارتکاب این جرائم کمتر است که این نشان می‌دهد بافت شهری و نوع مجتمع‌های مسکونی، روی رفتار شهروندان تأثیر گذار است. تجربه‌ای که در رابطه با تأثیر آب و هوا و اقلیم در بروز خشونت شاهد بودم، نشان می‌دهد یک شهر کویری کمترین آمار این جرائم را دارد، برعکس در شهرهای غربی و شمالغرب کشور که آب و هوای سردتری دارند، آمار نزاع بیشتر است. پس ممکن است این اتفاق در هر اقلیمی رخ بدهد و نمی‌توان گفت مختص یک نوع آب و هوا است. بنده به عنوان وکیل در پرونده‌هایی که به آنها رسیدگی کرده‌ام به این نتیجه رسیدم که آب و هوا در بروز این آسیب، تأثیر بالایی ندارد. ممکن است در برخی جاها آب و هوا یک خلق و خوی خاصی در افراد آن منطقه ایجاد کند اما اینکه آمار جنایت در آن منطقه بالا برود درست نیست. در کل می‌توان عنوان کرد در مناطقی که آرام و خوش آب و هواست مردم کمتر با هم درگیر می‌شوند چون آب و هوای خوب روی رفتار انسان‌ها تأثیر گذار است. پس این فرضیه هنوز اثبات نشده و پایه علمی دقیقی هم ندارد.

بالا یا پایین بودن آستانه تحمل افراد به چه عواملی بستگی دارد؟

افرادی که آستانه تحمل پایین دارند، دچار انواع درگیری‌های ذهنی و روحی هستند. تشویش ناشی از مشکلاتی که در آنها ریشه کرده، باعث می‌شود از لحاظ روحی، حساس شوند و قابلیت مدارا در آنها کمتر شود، به همین دلیل به بشکه باروتی تبدیل می‌شوند که منتظر بهانه هستند و هر لحظه امکان دارد منفجر شوند.

شکستن شیشه‌ها، تخریب اموال عمومی و... توسط برخی جوانان، نوعی عکس‌العمل ناشی از ناآرامی درونی آنهاست که هنگام مواجهه با مشکلات این گونه آن را بروز می‌دهند. به زعم خود، می‌خواهند از این طریق انتقام این ناملایمتی‌ها را بگیرند.

چه دلیلی وجود دارد افرادی که سن بیشتری دارند یا دارای تجربه بیشتری هستند کمتر درگیر این آسیب‌ها می‌شوند؟

هر چه سن انسان بالا می‌رود، از وارد شدن به این مسائل پرهیز می‌کند. بگذریم از مجرمان حرفه‌ای که در اثر عادت، قانون‌شکنی، ملکه ذهن‌شان شده، اما معمولاً با گذر زمان انسان‌ها رو به تکامل می‌روند و بیشتر تابع عقل می‌شوند. پس این جهل به مسائل است که در بین جوانان رواج دارد و عواقب کاری را که انجام می‌دهند، تشخیص نمی‌دهند و مرتکب جرم می‌شوند. قطعاً یک انسان میانسال به دلیل مشکلات مهم‌تری که در زندگی دارد، سعی می‌کند پشت سر قانون حرکت کند و آن را با عقل و منطق حل کند، زیرا دریافته که اگر به شکل دیگری بخواهد عمل کند، قانون مقابلش می‌ایستد و دردسر برایش ایجاد می‌شود. نقض کردن قراردادهای اجتماعی، ایجاد ناهنجاری و دهن کجی به مجموعه قواعد، مختص سنین پایین است که درکش برای جوانان و نوجوانان مشکل‌تر است.

از نظر قانونی قانونگذار چه مجازاتی را برای مرتکبین به این جرم در نظر گرفته است؟

مطابق ماده ۶۱۵ مجازات اسلامی که تصریح می‌کند، هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات ذیل محکوم می‌شوند:

- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا ۳ سال
- در صورتی که نزاع منتهی به نقص عضو شود به حبس از ۶ ماه تا یک سال
- در صورتی که نزاع منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از ۳ ماه تا یک سال.

مسئله مهم در این خصوص این است که مجازاتی که در باره نزاع کنندگان اعمال می‌شود، جدای اجرای مقررات قصاص، دیه هم دارد که اعمال می‌شود.

آیا بروز این آسیب را می‌توان نشانه‌ای از جامعه پرخاشگر تلقی کرد؟

بله، آمار جرائم و خشونت در کلانشهرها از جمله تهران بسیار بالاست. خشونت باعث می‌شود افراد نسبت به مسائل مربوط به همنوعش بی‌تفاوت باشد. اگر دقت کنیم به وضوح مشخص است که مردم مانند گذشته به داد یکدیگر نمی‌رسند. بارها فیلم‌هایی هم پخش شده که در خیابان چند نفر بر سر یک نفر می‌ریزند و او را تا حد مرگ کتک می‌زنند.

همین فیلم‌های خشن که مردم با علاقه به آن نگاه می‌کنند باعث نهادینه شدن فرهنگ کتک‌کاری در جامعه می‌شود. به همین دلیل است که می‌بینیم در مواقعی که با این آسیب مواجه می‌شوند، بدون اینکه عکس‌العملی از خود نشان دهند از کنارش می‌گذرند.

اطلاع‌رسانی انواع خشونت‌ها از طرق مختلف، یکی دیگر از راه‌هایی است که از جامعه ما، یک جامعه خشن ساخته است. به عنوان مثال بارها دیده‌ایم فیلم‌های درگیری بین چند نفر را که مردم در گوشی موبایل‌شان ضبط کرده‌اند، بدون اینکه برای پایان دادن به این درگیری تلاشی بکنند، چون از یک طرف برایشان مهم نیست و به امری عادی تبدیل شده و از طرفی هم نمی‌خواهند خود را درگیر این مسائل کنند.

چه راهکاری را پیشنهاد می‌دهید؟

به نظرم باید از آن چیزی که فرهنگ خشونت را در جامعه رواج داده است جلوگیری کرد، در غیر این صورت در بین افراد یک جامعه خشن به مرور زمان بیشتر می‌شود. دنیای مدرن که به دهکده جهانی تعبیر می‌شود این مشکلات را هم دارد. کودکی که از ابتدا با انواع و اقسام وسایل الکترونیکی انواع خشونت‌ها را می‌بیند دیگر برایش عادی می‌شود چرا که از نظر جرم‌شناسی همین کودک در سال‌های بعدی زندگی‌اش همان خشونت‌ها را که دیده بود در یک جایی و در یک موقعیتی از خود بروز می‌دهد.

هیچ فردی مجرم به دنیا نمی‌آید، بلکه علل و عوامل اجتماعی، خانوادگی، ژنتیکی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی هستند که دست به دست هم می‌دهند و از یک انسانی که مرتکب هیچ‌گونه جرمی نشده در یک لحظه یک انسان جانی می‌سازد. باید بستر این عوامل و زمینه‌های تبعیض و خشونت در جامعه از بین برود. مادامی که مشکل اعتیاد در بین جوانان حل نشود نباید خوش‌بین بود که آمار آن پایین بیاید. اعتیاد ام‌الفساد است زیرا منشأ بسیاری از جرائم است. امروز هم این معضل در بین جوانان به شدت اشاعه پیدا کرده و انواع و اقسام مواد مخدر و روانگردان خیلی عادی در همه جا در دسترس است لذا تا زمانی که خودمان وسایل و موقعیت اعتیاد را در اختیار جوانان قرار می‌دهیم و قبح آن را از بین می‌بریم باید منتظر خشونت و جنایات بیشتری هم در جامعه باشیم و حل این مشکلات و زمینه‌های بروز خشونت همت دولتمردان را می‌طلبد زیرا بدون ریشه‌یابی نمی‌توان به علل و عوامل بروز اینگونه آسیب‌ها پی برد.

سارق خشن هنگام بازداشت به پلیس فحاشی می‌کرد

ربودن زن باردار با انگیزه سرقت پراید

مجرم سابقه‌دار وقتی متوجه شد راننده پراید، خودروی خود را برای خرید ترک کرد، خود را به پشت فرمان رساند و در حالی که همسر باردار راننده در صندلی جلو نشسته بود، پدال گاز را فشار داد، اما ساعتی بعد از سوی مردم گرفتار شد.

ماجرای آن شب فراموش نشدنی

راننده پراید در توضیح ماجرا به خبرنگار ما گفت: شامگاه پنج‌شنبه، ششم شهریورماه بعد از صرف شام در خانه پدرزنم، سوار ماشین پراید‌مان شدیم و به طرف خانه‌مان در خیابان آیت‌الله کاشانی حرکت کردیم. در بین راه همسرم احساس تشنگی کرد به خاطر همین برای خرید بطری آب کنار خیابان توقف کردم. در حال خرید بودم که ناگهان صدای جیغ همسرم را شنیدم. با شتاب خودم را به طرفش رساندم و دیدم مرد قوی‌هیکلی پشت فرمان نشسته و همسرم با او درگیر است. در حالی که وحشت وجودم را فرا گرفته بود، با فریاد از مردم درخواست کمک کردم و به دنبال ماشین دویدم. سارق قوی‌هیکل یک دستش به فرمان بود و با دست دیگرش دست همسرم را گرفته بود تا مانع پیاده شدن او شود. راننده اما پایش را روی پدال گاز فشار داد و با شتاب از محل دور شد.

همان لحظه یک خودروی پژو که متوجه ماجرا شده بود، جلوی ماشینم پیچید و با هم تصادف کردند اما مرد سارق بعد از تصادف هم به راهش ادامه داد. همسرم از فرصت تصادف استفاده کرد و توانست دستش را از دست سارق جدا کند و خودش را به بیرون پرتاب کند. من به سرعت خودم را به بالین همسرم که وحشت‌زده بود، رساندم. در حالی که مدام با اورژانس تماس می‌گرفتم متوجه شدم که سارق نزدیک پمپ بنزین از ماشین پیاده شده و با قمه مردم را تهدید می‌کند. مردم که جرئت مقابله با او را نداشتند، به خاطر همین سارق قمه به دست دوباره پشت فرمان نشست و از محل گریخت. من لحظاتی بعد همسرم را به بیمارستان منتقل کردم و خیلی زود متوجه شدم که جنین آسیب دیده و دست همسرم نیز شکسته است.

فحاشی سارق به پلیس و رزمندگان

شاکی ادامه داد: من در بیمارستان بودم که مأموران کلانتری ۱۱۰ شهر زیبا به من خبر دادند که سارق قمه به دست را بازداشت کرده‌اند. من به سرعت همراه پدرم که از جانبازان دفاع مقدس است به کلانتری رفتم. وقتی به کلانتری رسیدم سارق خشن به من و مأموران پلیس فحاشی کرد. او وقتی متوجه شد پدرم از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس است، شروع به فحاشی به او کرد. بعد هم تهدید کرد پس از آزادی من و همسرم را زیر کامیون له می‌کند.

گرفتاری در کوچه بن‌بست

مرد جوان درباره نحوه دستگیری متهم به خبرنگار ما گفت: بعد از طرح شکایت فهمیدم که ماشین پژو بعد از تصادف به تعقیب سارق پرداخته است که در این تعقیب و گریز سارق با دو ماشین سانتافه و مزدا ۳ تصادف کرده و همچنین یک عابر را زیر گرفته و پای او را شکسته تا اینکه بعد از ترکیدن لاستیک ماشین در کوچه بن بست گرفتار می‌شود. سارق وقتی در محاصره مردم قرار می‌گیرد با قمه مردم را تهدید می‌کند تا از محل فرار کند اما این بار مردم او را گرفتار کرده و تحویل پلیس می‌دهند. همچنین متوجه شدم این متهم از مجرمان سابقه‌دار است که چندین بار به خاطر درگیری، شرب خمر و سرقت بازداشت شده اما هر بار بعد از مدت کوتاهی آزاد شده و دوباره دست به خلاف زده است.

امید به آینده

شاکی در پایان گفت: من و همسرم برای فرزندمان هزاران امید داشتیم اما سارق خشن به همسرم آسیب زد و نمی‌دانم آینده جنین چه خواهد شد و نگران هستم. بعد از این حادثه همسرم به شدت ترسیده به طوری که شب‌ها در خواب کابوس می‌بیند و با داد و فریاد از خواب بیدار می‌شود به همین خاطر از بازپرس پرونده درخواست دارم که به شکایتم رسیدگی کند تا متهم به زودی آزاد نشود.

درخواست کمک از پلیس

پدر شاکی که از رزمندگان دفاع مقدس است به خبرنگار ما گفت: خدا را شاکرم که عروسم از سوی این سارق خطرناک ربوده نشد. وقتی با سارق خشن مواجه شدم شروع به فحاشی کرد. این سارق بارها بازداشت و دوباره آزاد شده و برای جامعه فردی خطرناک است و درخواست می‌کنم تا مجازات شود.

متهم مقابل بازپرس عموزاد

صبح دیروز متهم در دادسرای ناحیه ۳۴ از سوی قاضی عموزاد مورد بازجویی قرار گرفت. متهم که از مجرمان سابقه‌دار است، گفت: شب حادثه برای پرسه زدن به داخل خیابان آمدم. در حال پرسه زدن بودم که ماشین پراید را کنار خیابان دیدم. وقتی متوجه شدم راننده پشت فرمان نیست، به سرعت پشت فرمان نشستم تا ماشین را سرقت کنم که زن صاحب خودرو را داخل ماشین دیدم. بعد از این تصمیم گرفتم ماشین را به همراه این زن سرقت کنم. در حالی که این زن با من درگیر بود و درخواست کمک می‌کرد، به راه افتادم که ماشینی جلویم پیچید و تصادف کردم. زن صاحب خودرو خودش را از ماشین به پایین پرتاب کرد و من به راه خودم ادامه دادم تا اینکه سرانجام بعد از تصادف با چند خودروی دیگر، در کوچه بن بستی گرفتار مردم شدم. متهم بعد از بازجویی برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی عموزاد بازپرس پرونده در اختیار کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی قرار گرفت.

انکار قتل مرد معتاد در کمپ غیرمجاز

مرد میانسالی که متهم است دو سال قبل مرد معتادی را در کمپ غیرمجاز ترک اعتیاد به قتل رسانده، دیروز محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد. در ابتدای جلسه، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و در شرح کیفرخواست گفت: ۲۵ بهمن سال ۹۰، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مردی به نام هدایت در یکی از کمپ‌های غیرمجاز با خبر و در محل حاضر شدند. شاهدان به پلیس گفتند لحظاتی قبل مدیر کمپ که عماد نام دارد با هدایت درگیر شد و او را در اتاقی حبس کرد تا اینکه از مرگ او با خبر شدیم. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان عماد را بازداشت کردند. متهم گفت: قبول دارم که با هدایت درگیر شدم اما در قتل او نقش نداشتم. نماینده دادستان تهران گفت: بر اساس اوراق پرونده، عماد گناهکار است و برای او درخواست صدور مجازات قانونی دارم. پس از آن اولیای‌دم در جایگاه قرار گرفتند و درخواست قصاص کردند. مادر مقتول گفت: پسرمان ۱۰ سال بود که به مصرف شیشه اعتیاد داشت. مدتی قبل از حادثه او را به کمپ بردیم تا مواد را ترک کند، اما مدیر کمپ او را به قتل رسانده است و از او شکایت داریم.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و اتهام خودش را انکار کرد. او توضیح داد: صبح روز حادثه با صدای شکستن شیشه از اتاقم خارج شدم. متوجه شدم که هدایت شیشه اتاقی را شکسته و می‌خواهد خودزنی کند. به طرفش رفتم تا او را آرام کنم اما عصبانی بود. من هم چند سیلی به او زدم و کشان کشان او را به طرف اتاقش کشاندم، هدایت اما مقاومت می‌کرد تا اینکه هر دو از پله‌ها سقوط کردیم. همان لحظه متوجه شدم که سرش به لبه پله برخورد کرده است. در هر صورت او را به اتاقش بردم و در را به رویش بستم. چند ساعت بعد وقتی به سراغش رفتم فهمیدم که فوت شده است. متهم ادامه داد: من با مقتول دشمنی نداشتم و انگیزه‌ای هم برای کشتن وی نداشتم.

پس از آن دو نفر از شاهدان در جایگاه قرار گرفتند. آنها گفتند: ما دیدیم که عماد، هدایت را کتک می‌زند. هدایت قصد خودزنی داشت اما عماد هم به خاطر اینکه زهرچشم بگیرد، او را به شدت کتک زد. بعد هم داخل اتاقی حبس کرد تا اینکه فوت شد.

پسر خطاکار قصاص شد

پسر جوانی که چهار سال قبل در یک درگیری پسری را به قتل رسانده بود، وقتی نتوانست شرط اولیای‌دم را برآورده کند، حکم قصاصش اجرا شد.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به این پرونده از دوم شهریور ماه سال ۸۹ همزمان با مرگ مشکوک پسر جوانی در بیمارستان از سوی کارآگاهان جنایی به جریان افتاد. وقتی مأموران پلیس به بیمارستان رفتند با جسد بی‌جان پسر جوانی به نام شایان روبه‌رو شدند که با اصابت چاقو به بدنش فوت شده بود. مأموران در نخستین تحقیقات دریافتند مقتول ساعتی قبل به همراه برادرش - ستار - با مرد میانسالی به همراه دو پسرش به نام‌های رحمت و عباس در پمپ بنزینی حوالی خیابان مصطفی خمینی درگیری خونینی رقم زده‌اند که در جریان آن شایان با اصابت چاقوی رحمت زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. برادر مقتول گفت: ساعتی قبل برادرم در پمپ بنزین با عباس کتک‌کاری کردند که با میانجیگری مردم درگیری پایان یافت. بعد از این من و برادرم جلوی پمپ بنزین بودیم که عباس به همراه پدرش و برادرش رحمت به سراغ ما آمدند و با ما درگیر شدند. وقتی درگیری ما بالا گرفت ناگهان رحمت با چاقو به برادرم ضربه‌ای زد و از محل گریخت. بعد از این برادرم را به بیمارستان رساندم اما شایان بر اثر شدت خونریزی تسلیم مرگ شد. بعد از این مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری عاملان این حادثه آغاز کردند. مأموران ابتدا عباس و پدرش را بازداشت کردند اما متوجه شدند رحمت عامل اصلی حادثه از محل گریخته است. پدر رحمت گفت: روز حادثه عباس با ماشین به پمپ بنزین رفت تا ماشین را بنزین بزند. وقتی برگشت متوجه شدیم با پسر جوانی به نام شایان درگیر شده است. به همین خاطر به همراه رحمت و عباس به پمپ بنزین رفتیم تا در مورد موضوع تحقیق کنیم. وقتی به پمپ بنزین رسیدیم با دو برادر درگیر شدیم که رحمت با چاقو شایان را زخمی کرد. کارآگاهان در ادامه رحمت را دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها به قتل شایان اعتراف کرد. وی گفت: برادرم ناشنوا است. مقتول قبل از این درگیری چندین بار عباس را کتک زده بود. وقتی عباس از پمپ بنزین برگشت با ایما و اشاره گفت که شایان او را دوباره کتک زده است. ما سه نفری به پمپ بنزین رفتیم که با هم درگیر شدیم. من قصد داشتم او را بترسانم به همین خاطر چاقویی به طرف او پرتاب کردم که به سینه‌اش برخورد کرد.

سپس اولیای دم برای متهم درخواست قصاص دادند و هیئت قضایی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری هم متهم را به قصاص با چوبه دار محکوم کرد. حکم قصاص متهم بعد از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی فرستاده شد. متهم مدتی قبل بعد از سیر مراحل قانونی حکمش پای چوبه دار قرار گرفت. اولیای‌دم هنگام اجرای حکم از متهم خواستند در صورتی که بتواند ۳هزار متر زمین در یکی از مناطق شرق تهران به آنها بدهد از قصاص وی گذشت می‌کنند و به همین خاطر به وی یک هفته مهلت دادند اما متهم بعد از گذشت یک هفته نتوانست شرط اولیای‌دم را برآورده کند تا اینکه چند روز قبل در زندان رجایی‌شهر با چوبه‌دار قصاص شد. بدین ترتیب پرونده این متهم بعد از گذشت چهار سال برای همیشه بسته شد.

قتل بر سر پنچری کامیون

مردی که متهم است در دعوا بر سر پنچر شدن خودرو صاحبکارش را در خرمشهر به قتل رسانده بود، در خمینی‌شهر اصفهان گرفتار پلیس شد.

چند روز قبل مأموران پلیس آگاهی خمینی‌شهر متوجه شدند مردی بعد از ارتکاب قتل صاحب کامیون در خرمشهر به یکی از محلات شهرستان درچه گریخته است، بنابراین او را بازداشت کردند. متهم در اولین بررسی‌ها به جرم خود اقرار کرد وتوضیح داد: از مدتی قبل روی یک کامیون باری در خرمشهر کار می‌کردم تا اینکه چهار ماه قبل در حال عبور از جاده بودیم که ناگهان کامیون پنچر شد. صاحب کامیون هم شروع به مشاجره کرد و به خاطر اینکه چرخ‌ها را بررسی نکرده بودم، مرا دعوا کرد. وقتی مشاجره ما بالا گرفت با چاقوی ضامن‌داری که همیشه همراه بود، چند ضربه به او زدم که فوت شد. بعد هم وسایلم را برداشتم و گریختم. سرهنگ خسرو احمدی، فرمانده انتظامی شهرستان خمینی‌شهر گفت: با اعتراف متهم، پرونده تشکیل و متهم برای سیر مراحل قانونی به مأموران اعزام شده از شهرستان خرمشهر تحویل داده شد.

دستگیری ۲ شکارچی بعد از شکار بز

دو شکارچی غیرمجاز بعد از شکار یک بز و بزغاله وحشی در استان چهارمحال و بختیاری دستگیر شدند.

چند روز قبل محیط‌بانان چهارمحال و بختیاری هنگام گشت‌زنی در منطقه حفاظت‌شده قیصری شهرستان کوهرنگ دو شکارچی غیرمجاز را دستگیر کردند. شهرام احمدی، مدیرکل حفاظت محیط زیست چهارمحال و بختیاری به پایگاه دیده‌بان محیط ریست گفت: از شکارچیان غیرمجاز لاشه یک بز و یک بزغاله وحشی، یک قبضه اسلحه شکاری تک لول غیرمجاز و تعدادی فشنگ چهارپاره کشف شد. دو متهم بعد از تشکیل پرونده تحویل مقامات قضایی شدند.

بازداشت عاملان شهادت مأمور پلیس

اشرار مسلحی که روز جمعه مأمور پلیس را به شهادت رسانده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش ایرنا، محمدتقی موسوی، مسئول بازرسی منطقه انتظامی شهرستان بم روز جمعه هنگام انجام مأموریت از سوی اشرار مسلح به شهادت رسید. پس از آن مأموران پلیس دست به تحقیق زدند و چند ساعت بعد اشرار مسلح را بازداشت کردند. پیکر موسوی روز گذشته پس از تشییع در شهر جیرفت در زادگاهش، روستای سقدر به خاک سپرده شد.

مرگ بیمار اعزامی در تصادف آمبولانس با سمند

تصادف سواری تویوتا با گاردریل در منطقه فیروزکنده ساری سه سرنشین آن را به کشتن داد. در حادثه‌ای دیگر تصادف سواری سمند با آمبولانس، مرگ بیمار اعزامی را به همراه داشت.

رئیس پلیس راه مازندران در توضیح اولین حادثه گفت: خودروی سواری تویوتا با گاردریل برخورد و سپس در کانال حاشیه جاده سقوط کرد و دچار آتش‌سوزی شد. سرهنگ محمدنژاد افزود: هر سه سرنشین این خودرو جان باختند. در دومین حادثه که روز گذشته اتفاق افتاد، برخورد یک دستگاه خودروی سمند با آمبولانس منجر به فوت یک بیمار اعزامی شد. مسئول ایستگاه شماره ۲ آتش‌نشانی شهر دوگنبدان گفت: بیمار، مردی ۵۰ ساله بود که برای گرفتن سی تی اسکن به بهبهان اعزام شده بود که بر اثر این سانحه، جان خود را از دست داد. صالحی ادامه داد: در این حادثه، بیمار از آمبولانس به بیرون پرت شد و آمبولانس بر اثر برخورد شدید با خودروی سمند روی بیمار سقوط کرد.

امید ۵ بیمار به ادامه زندگی

اعضای بدن نوجوان ۱۶ ساله که در حادثه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود، در بیمارستان نمازی شیراز به بیماران اهدا شد.

رئیس انجمن حمایت از بیماران کلیوی فارس گفت: این نوجوان ۱۶ ساله به علت تصادف دچار مرگ مغزی شده بود که کلیه‌هایش به دو بیمار حیاتی دوباره بخشید. معینی افزود: کبد و دو قرنیه متوفی هم به سه بیماران نیازمند اهدا شد.

بازداشت ۳ سرشاخه اصلی شرکت گاما

سه سرشاخه اصلی شرکت گاما با ۵ میلیارد کلاهبرداری دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: در ادامه طرح‌های مقابله با مجرمان و تبهکاران اقتصادی در اصفهان، این افراد که ۱۱ هزار زیرمجموعه داشتند شناسایی و دستگیر شدند. سردار عبدالرضا آقاخانی افزود: با شکایت تعداد زیادی از مالباختگان شناسایی این افراد در دستور ویژه مأموران نیروی انتظامی قرار گرفت و این افراد دستگیر و به محاکم قضایی معرفی شدند.

وی گفت: هر کدام از این افراد دارای دو یا سه جایگاه در شرکت هرمی گاما بودند که با جذب زیرمجموعه‌های خود ماهانه ۲۲ تا ۹۰ هزار دلار درآمد داشتند.

رئیس پلیس استان اصفهان با بیان اینکه فعالیت این گونه افراد باعث ناامنی در سیستم اقتصادی کشور، خروج سرمایه‌های مردم به خارج و رکود در سرمایه‌گذاری‌های داخلی می‌شود، گفت: بر اساس قانون هر گونه عضویت و فعالیت افراد در شرکت‌های هرمی جرم محسوب شده و با آنان برابر قانون برخورد خواهد شد.

آوار مرگ بر سر کارگر ساختمانی

کارگر ساختمانی روز جمعه در سعادت آباد تهران بر اثر ریزش آوار جان خود را از دست داد.

کارگران در زمین گودبرداری‌شده مشغول کار بودند که بخشی از زمین به علت رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام گودبرداری، ریزش می‌کند و کارگری ۳۵ ساله زیر آوار دفن می‌شود. افسر آماده منطقه ۲ گفت: محل حادثه زمینی به وسعت هزار متر مربع بود که ۲۰۰ متر از آن به عمق ۵ متر گودبرداری شده و کارگران مشغول کار بودند. مهران محمودی ادامه داد: زمانی که آتش‌نشانان به محل رسیدند جسد کارگر را از زیر آوار خارج و امدادگران اورژانس هم مرگ وی را تأیید کردند.

خارج از مدار

نیش سر قطع شده مار آشپز را به کشتن داد

سر بریده مار کبری در یکی از رستوران‌های چین، دست آشپزباشی را نیش زد و او را به کام مرگ کشاند.

چند روز قبل سرآشپز رستورانی در شهر فوشان چین، بعد از بریدن سر یک مار کبرا، بدن خزنده را هم تکه‌تکه کرد و برای درست کردن سوپ، داخل قابلمه آب جوش ریخت که ناگهان سر بریده مار، دست سرآشپز را نیش زد. آشپزباشی که بر اثر سم مار، اعصاب دستگاه تنفسی‌اش فلج شده بود، به علت خفگی پیش از رسیدن امدادگران اورژانس جان باخت.